

The Method of Discovering Islamic Theory from the Religious Texts and Resources

Ahmad Hussein Sharifi (Associate professor at Imam Khomeini Educational Research Institute Email: sharifi1738@yahoo.com)

ARTICLE INFO

Article history

Received: 10 October 2017

Revised: 6 December 2017

Accepted: 26 January 2017

Published online: 21 March 2018

Key words: method, discovery, theory, Islamic theory, Islamic-criteria, Islamic-laws, human-ends

ABSTRACT

The Method of theory making, in general, and the method of discovering Islamic theory from the religious texts and resources, in particular, is a most important concerns of Muslims contemporary researchers. This paper answers the question "How can to discover an Islamic theory from the religious texts and resources?" The author aims to provide a new and valid method about this issue. Thus in addition of reference to the main epistemological and religious assumptions of the debate, with a comprehensive view of the Islamic thought and the use of case studies, as well as with the use of analytical methods, a nine -step process has been provided to discover the Islamic theory from the religious texts and resources. The significant achievements of this paper are (1) providing a modified model of Ijtihad; (2) providing a method for discovering Islamic theory; (3)having a systematic and comprehensive view of the Ijtihad's method; (4) to pay attention to the role of Islamic criteria about various territories as well as the Islamic rules governing human life in the process of the discovery of Islamic theory.

روش اکتشاف نظریه از منابع و متون دینی

احمدحسین شریفی (دانشیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی «ره» - sharifi1738@yahoo.com)

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۸ مهرماه ۹۶
بازنگری: ۱۵ آذرماه ۹۶
پذیرش: ۶ بهمن ماه ۹۶
انتشار: ۱ فروردین ۹۷

چکیده

روش نظریه‌پردازی به صورت عام و روش اکتشاف نظریه اسلامی از منابع و متون دینی به صورت خاص از دغدغه‌های مهم پژوهشگران معاصر است. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که «چگونه می‌توان از منابع و متون دینی به اکتشاف و استنباط "نظریه" پرداخت؟».

نویسنده با هدف ارائه روشی نو و اطمینان‌آور در این باره، با اشاره‌ای به مفروضات معرفت‌شناختی و دین‌شناختی بحث، با نگاهی کلان به نظام فکر اسلامی و با استفاده از مطالعات موردی و همچنین با به‌کارگیری روش تحلیلی - فرایندی ۹ مرحله‌ای برای اکتشاف نظریه اسلامی از منابع و متون دینی اقدام کرده است.

دستاوردهای مهم این مقاله عبارت‌اند از: الف. ارائه مدلی جدید یا دست‌کم اصلاح‌شده از روش اجتهاد؛ ب. ارائه روشی برای استنباط نظریه اسلامی؛ ج. نگاه کلان و مجموعی داشتن به روش اجتهاد به جای نگاه جزءنگر؛ د. توجه دادن به نقش ضوابط اسلامی حاکم بر قلمروهای گوناگون و همچنین قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی در فرایند اکتشاف نظریه اسلامی.

واژگان کلیدی

روش، اکتشاف،
نظریه، نظریه
اسلامی، ضوابط
اسلامی، قواعد
اسلامی، مقاصد
زیست انسانی.

۱. مقدمه

«برای اکتشاف نظریه اسلامی از منابع و متون دینی چه فرایندی را باید طی کرد؟»

۲. فرضیه تحقیق

فرضیه تحقیق این است که برای اکتشاف نظریه اسلامی از متون و منابع اسلامی لازم است فرایندی ۹ مرحله‌ای طی شود. غفلت از هر کدام از مراحل نه‌گانه فرایند اکتشاف موجب می‌شود نتوان با اطمینان نتیجه را به اسلام نسبت داد.

۳. تعریف مفاهیم کلیدی

پیش از هر چیز لازم است چند واژه کلیدی توضیح داده شود که فهم دقیق آنها و تعیین مراد از آنها نقشی جدی در فهم این نوشتار دارد.

۱-۳. روش

منظور از «روش» گام‌هایی است که لازم است با نظمی خاص به منظور دستیابی به هدفی مشخص برداشته شوند. آشکار است که ویژگی این گام‌ها وابسته به نوع موضوع و همچنین هدفی است که از انجام یک پژوهش دنبال می‌کنیم. واژه روش عموماً از نظر نحوی و دستوری به شکل مضاف به کار برده می‌شود و با توجه به مضاف‌الیه آن کاربردهای متفاوتی پیدا می‌کند. منظور از روش در این نوشتار همان معنایی است که به اجمال در تعبیر چارلز رایت میلز^۱ (۱۹۱۶-۱۹۶۲) و آندرو سایر (۱۹۴۹) نیز ذکر شده است (میلز، ۱۹۵۹، ص ۵۷-۵۸ و سایر، ۱۳۸۸، ص ۱۳) یعنی «فرایند دستیابی به نظریه».

۲-۳. اکتشاف

در مقابل ابداع و تولید که نوعی نظریه‌سازی است، استنباط و استخراج آموزه‌های اسلامی از منابع و متون دینی منظور از اکتشاف است. پیش‌فرض فرایند اکتشاف این است که نظریه اسلامی به صورت پراکنده و متفرق در متون دینی بیان شده است؛ کاری که نظریه‌پرداز باید انجام

روشمند کردن نظریه‌پردازی به تبع دغدغه‌های روشی در دیگر قلمروهای دانشی، فنی و تکنیکی از مسائلی است که در چند دهه اخیر مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. در حوزه مطالعات دینی روش‌های متعددی برای فهم مراد شارع به‌ویژه در حوزه آموزه‌های فقهی ابداع و مورد استفاده فقها و مجتهدان قرار گرفته است. روش اجتهادی و روش نص‌محور (اخباریگری) دو کلان‌روش مشهور در تاریخ فقهت شیعی است، ولی هیچ‌کدام از این دو روش نتوانسته و به‌گمان نگارنده نمی‌توانند در حوزه نظریه‌پردازی و استخراج «نظریه اسلامی» به‌نحو مطلوبی کارآمد باشند.

ناکارآمدی اخباریگری معلول بی‌توجهی به عقل، کنار گذاشتن تقدس‌مآبانه مهم‌ترین منبع فکر اسلامی (یعنی قرآن)، بی‌توجهی به بررسی‌های سندی روایات، بی‌توجهی به قواعد فقهی و مانند آن است. این ضعف‌ها موجب شد اخباریگری به‌رغم طلوع پرطمطراقی که داشت، نتواند به‌عنوان مدلی برای نظریه‌پردازی دینی چندان دوام بیاورد. روش اجتهادی اصولیان نیز به شکل مرسوم و متداول سرانجام در حوزه استنباط و اکتشاف احکام فردی و جزئی بتواند موفقیت داشته باشد؛ ولی هرگز نه داعیه اکتشاف «نظریه اسلامی» را داشته و نه برای چنین انگیزه‌ای ساخته شده است و نه توانایی کشیدن بار چنین مسئولیتی را دارد. نویسنده در این نوشتار می‌خواهد با بهره‌گیری از تجربیات علمی و عملی فقیهان و اندیشمندان بزرگ تاریخ تفکر اسلامی و با توجه به نیازهای کنونی جوامع اسلامی مدلی برای نظریه‌پردازی اکتشافی ارائه دهد که افزون بر بهره‌مندی از نقاط قوت مدل اجتهادی مرسوم، بتواند با اطمینان قابل قبولی برای اکتشاف نظریه اسلامی به‌کار گرفته شود. بر این اساس، پرسش اصلی مقاله این است که

متنوع و متعددی برای آن ارائه شده است و هنوز بر سر اینکه نظریه چیست توافقی صورت نگرفته است (کوهن^۱، ۱۹۸۹، ص ۱۷۷) تا جایی که به تعبیر برخی از نویسندگان می‌توان گفت: به تعداد کسانی که در این باره سخن گفته‌اند، تعریف وجود دارد! هر کسی بر اساس پیش‌فرض‌ها و پارادایم‌های فکری خود نظریه را به‌گونه‌ای تعریف کرده است (لوگان و اولمستید^۲، ۱۹۵۵، ص ۴). برخی از نویسندگان تعاریف مختلف نظریه را از دیدگاه اندیشمندان غربی گردآوری کرده‌اند که برای مطالعه تفصیلی می‌توان به آنها مراجعه کرد (توسلی، ۱۳۷۶). برخی پس از تحلیل تعاریف موجود و بیان نقاط قوت و ضعف آنها، نظریه را چنین تعریف کرده‌اند: «یک یا چند گزاره فرضیه‌ای که رفتار یک پدیده را موقتاً توصیف، تبیین، تحلیل و تفهیم می‌کند.» (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸). اوکونر نیز در تعریفی مشابه می‌گوید: «نظریه چیزی است که به توصیف، تبیین و پیش‌بینی پدیده مورد نظر می‌پردازد و می‌تواند نظامی برای طبقه‌بندی معرفت در حوزه نظری خاصی ارائه دهد.» (اوکونر، ۱۹۵۷^۳، ص ۸۱). بدون آنکه بخواهیم به نقد و بررسی تعاریف مورد اشاره بپردازیم، به باور نگارنده یک نظریه جامع عبارت است از: «مجموعه‌ای از گزاره‌های کلی که متأثر از مبانی فلسفی، منابع معرفت و مقاصد زیست انسانی، به دنبال توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، ارزشیابی یا کنترل پدیده مورد مطالعه است.» (کرلینجر، ۱۳۷۴، ص ۲۹-۳۱). البته، یک نظریه ممکن است ناظر به یکی از ابعاد فوق باشد؛ یعنی ممکن است کسی نظریه‌ای درباره تبیین ارائه دهد یا ممکن است کسی درباره معناکاوای یا در حوزه پیش‌بینی و یا کنترل نظریه خاصی ارائه دهد. نظریه جامع به نظریه‌ای گفته می‌شود که همه مؤلفه‌های پیش‌گفته را داشته باشد، اما نظریه بخشی یا غیرجامع به نظریه‌ای گفته می‌شود که ناظر به یکی از آن مؤلفه‌های باشد.

دهد اکتشاف و استنباط و غبارزدایی از چهره آن است (صدر، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۳۶۷-۳۷۱). نظریه پرداز در آغاز حرکت علمی فرایند اکتشافی خود هیچ تصویر و ساختار روشنی از محصول کار ندارد؛ همچون جوینده گنج می‌ماند که بعد از تعیین مسئله خود و جایابی آن، آرام آرام از روی زمین خاک‌ها را کنار می‌زند تا سرانجام به گنج برسد، ولی نظریه‌پرداز در فرایند ابداع و تولید مانند معمار می‌ماند که بنیان‌ها و پایه‌های ساختمان را خودش طراحی می‌کند و سپس طبقات مختلف ساختمان را روی آن می‌چیند.

۳-۳. نظریه و نظریه اسلامی

به‌رغم کاربرد بسیار گسترده واژه نظریه در ادبیات عمومی و علمی، هنوز تعریفی جامع، دقیق و اجماعی از آن ارائه نشده است. حتی اختلاف در تعریف لغوی آن چشمگیر و گسترده است. هم در فرهنگ‌نامه‌های لغوی بزرگ (لانگمن، کولینز، آکسفورد) و هم در فرهنگ‌های تخصصی (بلک‌ولز، ۲۰۰۴، ص ۶۸۴-۶۸۵؛ آکسفورد، ۲۰۰۵، ص ۸۷۰-۸۷۱؛ پل ادواردز، ج ۹، ص ۴۱۳) چندین معنای گاه متفاوت برای آن ذکر کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: حدس؛ حدس اثبات نشده؛ عنوانی غیردقیق و غیرفنی برای «فرضیه»؛ ایده یا مجموعه‌ای از ایده‌ها که در پی تبیین چیزی درباره زندگی یا جهان‌اند به‌ویژه ایده‌ای که هنوز صدق آن اثبات نشده است؛ دیدگاه یا ایده‌ای که به اعتقاد کس یا کسانی صادق است، ولی هنوز اثبات نشده است؛ حدس یا مجموعه‌ای از ایده‌ها که درصدد تبیین چیزی هستند به‌ویژه حدس‌ها و ایده‌هایی که بر اصولی بنیان نهاده شده‌اند که مستقل از چیزی‌اند که می‌خواهد تبیین شود؛ مجموعه‌ای از قواعد، روش‌ها و فرض‌هایی که معمولاً برای تولید یک نتیجه به‌کار گرفته می‌شوند؛ ایده‌ای که برای توجیه وضعیتی یا راهکاری مطرح می‌شود.

در کتاب‌های روش‌شناسی نیز تعاریف اصطلاحی

3. O'Conner

1. Cohen

2. Logan & Olmstead

به صورت معقول و موجهی ما را نسبت به دستیابی به نظریه اسلامی مطمئن می‌کند.

۵. مفروضات یا مبانی نظری روش «اکتشاف» نظریه اسلامی
روش اکتشاف نظریه اسلامی مانند هر روش‌شناسی دیگری مبتنی بر دسته‌ای از مبانی نظری یا مفروضات علمی است که در علوم دیگر مورد بحث قرار می‌گیرند. مبانی‌ای که بدون پذیرش پیشاپیش آنها، روش اکتشافی ما بر بنیانی منطقی و مستحکم استوار نخواهد بود. در اینجا به اختصار فهرستی از این مبانی و مفروضات مهم در دو حوزه معرفت‌شناسی و دین‌شناسی آورده می‌شود:

۱-۵. مفروضات معرفت‌شناختی

مبانی و مفروضات معرفت‌شناختی مهم روش اکتشاف نظریه اسلامی عبارت‌اند از:

- الف. معرفت‌های متعارض یا متناقض درباره یک حقیقت از اعتباری یکسان برخوردار نیستند؛
- ب. معرفت یقینی بر معرفت معارض با آن تقدم دارد؛
- ج. در صورت تعارض دو معرفت غیر یقینی، مثلاً یک معرفت تجربی و یک دلیل ظنی شرعی، نمی‌توان به صورت قطعی یکی را درست و دیگری را نادرست دانست، ولی با توجه به آنکه دلایل عقلی موجهی بر لزوم تبعیت از معارف ظنی دینی داریم، عقلانیت روش‌شناختی حکم می‌کند که دلیل شرعی غیرقطعی را بر دلیل غیرشرعی غیرقطعی مقدم کنیم؛
- د. عمل فهم امری ضابطه‌مند است و سلیقه‌ای، نسبی و شخصی نیست؛

ه. ابزارهای ادراکی انسان برای شناخت همه مصادیق و جزئیات راه سعادت کافی نیستند. جز از راه وحی و هدایت‌های وحیانی نمی‌توان مصادیق و جزئیات راه سعادت را کشف کرد.

و. همه منابع شناخته شده کسب معرفت اعم از وحی، عقل، تجربه، شهود، مرجعیت، تواتر، سیره، عرف و مانند آن، فی‌الجمله معتبرند؛

نظریه اسلامی عبارت است از: «مجموعه‌ای از گزاره‌های کلی که متأثر از مبانی فلسفی، منابع معرفت و مقاصد اسلامی زیست انسانی، به دنبال توصیف، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی، ارزشیابی یا کنترل پدیده مورد مطالعه است».

۴. پیشینه پژوهش

درباره روش نظریه‌پردازی به صورت مطلق، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، کتاب‌های متعدد و پژوهش‌های گسترده‌ای در سال‌های اخیر تدوین شده است، ولی درباره روش نظریه‌پردازی اسلامی به صورت خاص و روش اکتشاف «نظریه اسلامی» به صورت خاص-تر کمتر پژوهش شده است. در تراث فقهی و اجتهادی اندیشمندان شیعی روش‌ها و مدل‌های مختلفی برای اکتشاف «حکم اسلامی» در محدوده افعال مکلفان تجربه شده و مورد استفاده فقیهان بوده است که می‌توان پیشرفته‌ترین سطح آن را در مدل اجتهادی وحید بهبهانی و پس از او شیخ انصاری مشاهده کرد. این مدل بیش از صد و پنجاه سال است که مورد پذیرش بیشتر مجتهدان قرار گرفته است. برخی از اندیشمندان معاصر مانند شهید صدر مدل اجتهادی شیخ انصاری را برای نظریه‌پردازی، ناکارآمد یا به تعبیر بهتر ناکافی دانسته‌اند و خود به مدلی نو برای اکتشاف نظریه اسلامی ارائه کرده‌اند.

هرچند مقاله حاضر متکفل ارزیابی دقیق روش‌های اجتهادی پیش‌گفته نیست، ولی نگارنده بر این باور است که روش اجتهادی گذشتگان اگر هم کارآمد باشد، اختصاص به استنباط احکام مسائل فردی و جزئی دارد و روش فقه نظریه شهید صدر نیز هر چند گامی به جلو است، ولی به صورتی ناقص مطرح شده است و مشتمل بر همه فرایندهای اکتشاف نظریه نیست. به همین دلیل، این مقاله مدعی ارائه مدلی جامع، کاربردی و فرایندی برای استنباط و اکتشاف نظریه اسلامی از منابع و متون فکر اسلامی است و معتقد است که کاربست فرایند پیشنهادی

محدودیت به زمان و مکان و افرادی خاص است، درعین- حال، در تفسیر و فهم قرآن و ظهورگیری از آیات قرآن لازم است به مقتضیات مکانی و شرایط اجتماعی عصر نزول قرآن توجه داشت؛

ز. اعتقاد به عصمت پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومان(ع) پیامبر اکرم نه تنها در تلقی، ابلاغ و تبیین وحی معصوم بود که حتی در زندگی روزمره خود از هر گونه معصیت و خطا و نسیانی نیز عصمت داشت. به همین دلیل همه حرکات، سکناات، سخنان و سکوت او حجت دینی است؛

ح. ضرورت رجوع به سخنان پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) برای فهم درست قرآن کریم: یکی از شئون و وظایف آنان تبیین و تفسیر آیات قرآن کریم است.

۶. فرایند اکتشاف نظریه اسلامی

پس از تبیین مفاهیم و اشاره به مفروضات معرفت‌شناختی و دین‌شناختی روش اکتشاف نظریه اسلامی، اکنون نبوت تشریح فرایند اکتشاف نظریه اسلامی است. در ادامه، این فرایند در ۹ گام مترتب بر هم ترسیم می‌شود:

۶-۱. گام اول: تعیین و تبیین موضوع یا مسئله تحقیق

مسئله تحقیق به منزله گمشده انسان است. اگر کسی گمشده‌ای نداشته باشد، هرگز برای پیدا کردن آن اقدامی نمی‌کند و اگر کسی به درستی نداند که گمشده او چیست، طبیعتاً تلاش‌های او نیز نه تنها هدفمند نخواهند بود، که بی‌ثمر نیز هستند. داشتن تصویری روشن از گمشده خود نقشی کلیدی در پیدا کردن آن دارد. به همین دلیل، پژوهشگر لازم است تعریف و توصیفی دقیق از مسئله مورد نظر خود داشته باشد و به‌صورت شفاف بداند که در پی چیست، حدود و ثغور مسئله او تا کجاست و تفاوت آن با مسائل مشابه و همگن در چیست.

۶-۲. گام دوم: گردآوری پاسخ‌های ارائه‌شده

مسئله طرح شده ممکن است نو و ابداعی نباشد و اندیشمندان دیگری نیز پاسخ‌هایی به آن داده باشند. در این

ز. عقل افزون بر آنکه ابزار فهم کتاب و سنت است (عقل ابزاری)، در سطوحی در عرض کتاب و سنت از منابع اسلامی هم به شمار می‌رود (عقل منبعی)؛

ح. مضامین آیات و روایات در مقام سنجش با عقل از سه فرض خارج نیستند: خردپذیر (عقلانی)، خردگریز (فراتر از عقل) و خردستیز (ضد عقل)، ولی هیچ آموزه ضد عقلی نمی‌تواند پذیرفتنی باشد.

۵-۲. مفروضات دین‌شناختی

مبانی و مفروضات دین‌شناختی مهم روش اکتشاف نظریه اسلامی عبارت‌اند از:

الف. اعتقاد به موجودی دارای کمال مطلق و بی‌نهایت که او را خداوند می‌نامیم؛

ب. خداوند هدایت تشریحی انسان را بر عهده دارد. این هدایت تشریحی از راه نیروها، استعدادها و قوه‌های درونی اعطا شده به انسان و همچنین به‌وسیله نیروها و قوای بیرونی مانند فرستادن پیامبران الهی و نازل کردن کتاب‌های آسمانی و وضع قوانینی برای اداره زندگی فردی و اجتماعی آدمیان صورت می‌گیرد؛

ج. اعتقاد به جامعیت و جهانی بودن اسلام و آموزه‌های اسلامی؛

د. اعتقاد به اینکه الفاظ قرآن کریم نیز عین وحی‌اند و هیچ تحریفی در آن راه نیافته است؛

ه. داشتن نگاه شبکه‌ای و موضوعی به قرآن: با توجه به وجود آیات «محکم و متشابه»، «ناسخ و منسوخ»، «عام و خاص»، «مطلق و مقید»، «مجمّل و مبین» و همچنین با توجه به سبک نزول قرآن کریم و روش تربیتی و تعلیمی آن برای اکتشاف نظریه اسلامی از قرآن کریم، ضمن توجه به ترتیب نزول آیات، لازم است نگاهی شبکه‌ای و موضوعی به آنها داشت. نمی‌توان با استناد به یک آیه، نظر نهایی قرآن را در مورد موضوع یا مسئله‌ای خاص بیان کرد؛ و. توجه به شأن، زمان و عصر نزول: هر چند اصل در آیات قرآن با توجه به جهانی و جاودانه بودن اسلام عدم

شود. این مرحله از کار، بیش از هر چیز، نیازمند مهارت استفاده از معجم‌های لفظی و موضوعی و نرم‌افزارهای قرآنی است؛

دو. مراجعه به منابع حدیثی: جستجوی روایات مربوطه با توجه به تبویب کتاب‌های روایی و نرم‌افزارهای حدیثی نیز تا اندازه زیادی آسان شده است، ولی هرگز نباید به مراجعه به ابواب مربوط یا منابع مشهور اکتفا کرد؛ زیرا ممکن است متنی ناظر به یک مسئله در باب یا ابوابی که در ظاهر بی‌ارتباط با آن هستند ذکر شده باشد و یا ممکن است مسئله مورد بحث از مسائل جدیدی باشد که در تبویب‌های مرسوم، عنوانی برای آن نام‌گذاری نشده باشد؛ مانند مسئله شبیه‌سازی یا قتل ترحمی یا محصولات تراریخته و امثال آن. بنابراین، تا حد ممکن باید همه منابع و متون دینی را در دایره جستجوی خود قرار داد. این مسئله با توجه به روش‌های نوین جستجو خیلی دشوار و وقت‌گیر هم نیست؛

سه. داشتن تخصص در مباحث حجت علم اصول: در این مرحله استفاده از مباحث حجت اصول فقه برای تمییز منابع معتبر و قابل استناد از منابع نامعتبر بسیار لازم است. به باور نگارنده همه مباحث حجت اصول فقه ناظر به همین مرحله از اجتهاد دینی و فرایند اکتشاف نظریه اسلامی‌اند و نه بیشتر. به همین دلیل، حتی تسلط کامل بر چنین مباحثی نمی‌تواند برای اکتشاف نظریه کافی باشد؛ هر چند بدون تخصص و تسلط نسبت به آنها نیز اکتشاف نظریه اسلامی ناممکن است.

۴-۵. گام پنجم: اعتبارسنجی مستندات گردآوری شده همه آیات قرآن کریم، از حیث صدور و سند، قطعی-الصدورند؛ هر چند پاره‌ای از آنها، مثل آیات متشابه، از

گام لازم است همه پاسخ‌ها و اندیشه‌های موجود درباره موضوع یا مسئله مورد بحث گردآوری شود. البته گردآوری خود نیازمند روش است. روش‌های گردآوری به وفور و با تنوع زیادی در کتاب‌های روش تحقیق بیان شده‌اند. در این مرحله مهم آن است که پژوهشگر باید اطمینان حاصل کند که پاسخ‌های مهم داده شده به مسئله را گردآوری کرده است و برای این منظور لازم است به دو نکته مهم توجه کند: یکم، هیچ ارزیابی، سنجش، موضع‌گیری و جهت‌گیری خاصی نسبت به دیدگاه‌های گردآوری شده نداشته باشد و دوم، پاسخ‌های ارائه شده و داده‌های گردآوری شده را به دقت تنظیم و تقریر کند.

۳-۶. گام سوم: تحلیل پاسخ‌های گردآوری شده

در این مرحله لازم است با فهم دقیق پاسخ‌ها و دیدگاه‌های دیگران، عینک نقادی بر چشم زده و نقاط قوت و ضعف آنها را به صورت مستند و مستدل مشخص کند. برای بررسی انتقادی هم باید به نقد مدعا توجه کرد و هم به نقد ادله؛ هم نقدهای درونی را مورد نظر داشت و هم نقدهای بیرونی را؛ هم مستندات آنها را روایی‌سنجی کرد و هم روش فهم آنها را اعتباریابی نمود.

۴-۶. گام چهارم: جستجو در منابع و متون اسلامی

در گام چهارم لازم است همه منابع و متون اسلامی و همه اموری را که می‌توانند به عنوان «حجت» در مسیر اکتشاف نظریه اسلامی قرار گیرند، به دقت جستجو کرده، آنها را گردآوری کند. به این منظور لازم است:

یک. مراجعه به معجم‌های موضوعی و لفظی قرآن کریم: این کار با توجه به کتاب‌هایی که درباره موضوع‌بندی آیات قرآن تدوین شده^۱ و همچنین نرم‌افزارهای قرآنی می‌تواند تا اندازه‌ای ساده و سریع انجام

- فرهنگ موضوعی قرآن مجید، کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۶۹؛
- فرهنگنامه موضوعی قرآن کریم، احمد خاتمی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴؛
- فروغ بی‌پایان (فهرست تفصیلی مفاهیم قرآن کریم)، عبدالمجید معادینخواه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸؛
- معجم الفاظ القرآن الکریم، حسان عبدالمنان، قم: دار العلم، ۱۳۸۵.

۱. معجم‌های موضوعی فراوانی برای قرآن کریم تدوین شده است که از آن جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:
- نثر طوبی یا دائرةالمعارف لغات قرآن مجید، ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۸ق؛
- قاموس قرآن، علی‌اکبر قرشی بنایی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲؛
- المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم: فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم، محمود روحانی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸؛

از معصوم لازم است برای فهم دقیق مراد شارع تلاش شود. از این رو لازم است:

یک. مفردات متن فهمیده شود: به همین دلیل، فهم زبان عربی، به عنوان زبان اسلام، کاری لازم است. آشنایی با دانش‌هایی مانند علم صرف، لغت‌شناسی، غریب القرآن و غریب الحدیث برای این بخش لازم است؛

دو. ساختار ادبی جملات فهمیده شود: آشنایی با علم نحو و قواعد دستور زبان عربی و صناعات ادبی، به‌ویژه ادبیات عرب صدر اسلام، برای این منظور لازم است؛

سه. برای درک دقیق مقصود و مراد خدای متعال و اولیای معصوم به قرینه‌ها (اعم از متصل و منفصل) توجه شود: آشنایی با تاریخ اسلام و فرهنگ زمان نزول قرآن و همچنین فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و مذهبی زمان ائمه اطهار(ع) برای فهم و درک قرینه‌های منفصل لازم است؛

چهار. به شأن نزول آیات و شأن صدور روایات و فضاهای جانبی آیات و روایات توجه شود: فهم عمیق و دقیق سخن خدای متعال و اولیای دین در بسیاری از موارد مستلزم آگاهی از اسباب نزول و علل و عوامل صدور آنهاست. بدون آگاهی از شرایط اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و حتی حالت‌های مخاطبان اولیه و فضای ذهنی آنان نمی‌توان انتظار فهم دقیق و عمیق متون دینی را داشت. نباید تصور کرد که همه آیات قرآن و همه سخنان منقول از معصومان به شکل گزاره‌های فرازمانی و فرامکانی‌اند، بلکه برخی از آنها ناظر به وقایع یا اشخاص خاصی بوده و بدون توجه به آنها ممکن است در فهم مراد آیات و

حیث دلالت ظنی‌الدلاله هستند؛ همانطور که اغلب روایات از حیث سند، ظنی‌الصدورند و بسیاری از آنها از حیث دلالت نیز ظنی‌الدلاله هستند. در عین حال، مفسران و محدثان ضوابط علمی روشنی برای اعتبارسنجی دلالت آیات و همچنین اعتبارسنجی سند و دلالت روایات بیان کرده‌اند. برای اعتبارسنجی روایات گردآوری شده لازم است فرایند زیر طی شود:

یک. تلاش در جهت دستیابی به متن اصلی حدیث یا سیره: پیش از هر چیز باید مطمئن شد که متن در اختیار واقعاً قول، فعل یا تقریر معصوم است. دانش‌هایی مثل رجال، تاریخ صدر اسلام به‌ویژه تاریخ زندگی پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع)، و شناخت اسناد تاریخی معتبر، در خدمت این مرحله هستند. همچنین آگاهی از تاریخ و چگونگی تدوین کتاب‌های حدیثی می‌تواند بسیاری از خلط و خطاها را نشان دهد. باید ریشه این مستندات و تاریخ ورود آنها به منابع حدیثی را بررسی کرد. چه بسا احادیث بسیار مشهوری که در هیچ متن حدیثی طبقه اول (اصول اربعه‌ماه) و حتی متون حدیثی طبقه دوم (کتب اربعه) وجود ندارد. طبیعتاً چنین حدیثی نمی‌تواند اعتبار لازم را برای اکتشاف نظریه اسلامی داشته باشد؛

دو. زدودن تصحیف‌ها و تحریف‌های عمدی یا غیرعمدی راه‌یافته در متن روایات: لازم است با شناخت نسخ اصلی تصحیف‌های نوشتاری راه‌یافته در متون روایی را شناخت و اصلاح کرد. برای نمونه، پیش از هرگونه تحلیلی ابتدا باید مطمئن شد که آیا حدیثی که از پیامبر اکرم(ع) نقل شده این است که «تَخْتَمُوا بِالْعَقِيقِ؛ انگشتر عقیق به دست کنید.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷۰) یا فرموده است «تَخِيمُوا بِالْعَقِيقِ؛ در وادی عقیق (واقع در چهار میلی مدینه) خیمه بزنید» (ابن حجر، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۱۰) یا آنکه ممکن است هر دو سخن را فرموده باشد.

۶-۶. گام ششم: فهم عمیق متون گردآوری شده

پس از گردآوری آیات مربوط و اطمینان از صدور حدیث

همین دلیل، برای فهم دقیق و عمیق آنها لازم است خانواده یا شبکه‌ای از متون دینی (آیات و احادیث و سنن مربوط) تشکیل شود تا بدین وسیله فهمی دقیق‌تر از مراد شارع به دست آید.

۶-۷. گام هفتم: عرضه بر ضوابط اسلامی حاکم بر قلمرو مربوط

حتی اگر پاسخ سؤال خود را آشکارا و شفاف در متنی از متون دینی یافتیم، نباید مسئله خود را پایان یافته تلقی کرده و آن پاسخ را به عنوان نظر نهایی اسلام درباره مسئله مورد نظر به شمار آوریم، بلکه حتی اگر همه گام‌های شش‌گانه بالا را با موفقیت طی کنیم، هنوز هم نمی‌توانیم مطمئن شویم که نظریه اسلامی را به دست آورده‌ایم. هفتمین گام، که در این عرصه لازم است برداشته شود، عبارت است از: عرضه نتایج به دست آمده به «ضوابط اسلامی حاکم بر مسئله مورد بحث».

برای این منظور باید مشخص کرد که مسئله مورد بحث در چه قلمرویی از قلمروهای زیست انسانی است. اگر قلمرو و حیطه مسئله مورد نظر خود را به درستی شناسیم، به احتمال زیاد در پاسخ آن به بیراهه خواهیم رفت. به همین دلیل، لازم است مشخص کرد که برای مثال، مسئله مورد نظر آیا ناظر به حوزه فردی است یا اجتماعی؟ مربوط به حوزه خانواده است یا جامعه؟ ناظر به سیاست است یا اقتصاد؟ کوتاهی یا بی‌دقتی در این مرحله ممکن است موجب شود که مثلاً، مسئله‌ای را که ناظر به قلمرو کنش‌های اجتماعی است به حوزه کنش‌های فردی سرایت دهیم یا برعکس.

منظور از ضوابط اسلامی حاکم بر یک قلمرو یا حیطه، ارزش‌ها و هنجارهای نسبتاً عامی هستند که بر همه مسائل آن حوزه حاکمیت دارند و همچون چتری می‌مانند که همه

روایات به انحراف رویم.^۱

برای نمونه اگر در روایتی دیده شد که: «هر کس دو دینار از خود بر جای بگذارد، آنها را بر پیشانی او داغ می‌نهند»، هرگز نباید بدون توجه به زمان، محل و شأن صدور آن نتیجه گرفت که از نگاه اسلام هرگونه پس‌اندازی نادرست و نامشروع است. این روشی بود که خود ائمه اطهار در موارد متعددی به شاگردان خویش آموزش می‌دادند. درباره همین مسئله، امام صادق (ع) در تفسیر این سخن منقول از پیامبر اسلام (ص) که «أَيُّمَا رَجُلٍ تَرَكَ دِينَارَيْنِ فَهُمَا كَيُّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ»، فرمودند: این مربوط به گروهی بود که میهمان رسول‌الله (ص) بودند. شب که می‌شد آن حضرت پولی می‌داد که با آن شام تهیه کنند و صبح که می‌شد، پولی می‌داد که با آن صبحانه تهیه نمایند. آنان نگران این نبودند که بی‌صبحانه یا بی‌شام بمانند. اما در این میان یکی از آنان نگران آینده خود بود و دو دینار جمع کرده بود. پیامبر اکرم ۹، این سخن را درباره چنین فردی فرمودند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۵۲)؛

پنج. از بخش الفاظ دانش اصول فقه بهره‌گیری شود:

بحث الفاظ در علم اصول برای اکتشاف نظریه اسلامی از منابع و متون دینی بسیار لازم و مهم است. آگاهی از حقیقت وضع، کیفیت دلالت الفاظ بر معانی، حقیقت و مجاز، مشتق، مدلول هیأت و ماده امر، کیفیت دلالت امر بر وجوب یا استحباب، عام و خاص، مطلق و مقید و مجمل و مبین نقشی جدی در فهم حقیقت مرادات شارع دارد؛

شش. خانواده متون دینی (اعم از آیات و روایات)

تشکیل شود: با توجه به اینکه بسیاری از احادیث به صورت نقل به معنا به ما رسیده‌اند، بنابراین بسیاری از الفاظ سنت به خودی خود موضوعیت ندارند. به تعبیر دیگر، الفاظ سنت در اغلب موارد جنبه توقیفی ندارند. به

صفوان بود، ولی چنین نیست که بگوییم حکم سرقت نیز مخصوص سرقت لباس وی است و قابل تعمیم به سرقت‌های دیگری نیست. عام یا خاص بودن یک حکم وابسته به دلیل آن است و نه شأن نزول یا صدور آن.

۱. البته این منافاتی با آن ندارد که مورد را مخصص ندانسته و بگوییم «المورد لایعمم و لایخص»؛ یعنی ممکن است مورد یا مسئله خاصی سبب جعل و تشریح حکمی شده باشد، ولی با استناد به ویژگی‌های عام یا خاص آن مورد نمی‌توان حکم را نیز عام یا خاص دانست. برای مثال، شأن نزول آیه سرقت، سرقت لباس فردی به نام

جزئیات آن قلمرو را تحت پوشش خود دارند. برای مثال، هنجارهایی مانند «احسان»، «وفاداری همسران»، «مودت و رحمت میان همسران»، «تلاش حداکثری برای حفظ کانون خانواده» و مانند آن، از جمله ضوابط و هنجارهای حاکم بر همه مسائل و روابط خانوادگی اند؛ یعنی هم در تعاملات اقتصادی خانواده و هم در روابط میان اعضای خانواده و هم میهمانی‌ها و گذران اوقات فراغت و وظایف شغلی اعضای خانواده لازم است جانب این ضوابط را نگه داشت و آنها را مراعات کرد یا هنجارهایی همچون «هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند»، «اصل خیرخواهی عمومی»، «اصل نظارت اجتماعی یا امر به معروف و نهی از منکر»، «اصل مشورت» و «اصل احترام به دیگران» از جمله ضوابط حاکم بر کنش‌های اجتماعی انسان مسلمان هستند؛ یعنی در همه روابط جزئی و مصداقی باید این اصول را مراعات کرد. بر این اساس، نمی‌توان دستورالعمل‌های خودخواهانه و شخص‌محورانه را در زندگی اجتماعی به اسلام نسبت داد.

البته ضوابط حاکم بر حوزه‌های خاص حیات انسانی در اغلب موارد به صورت مستقل و مشخص در متون دینی ذکر نشده‌اند و اینها را نیز باید با استناد به منابع، مبانی، مقاصد و متون اسلامی اصطیاد کرد و به دست آورد. «تشکیل خانواده قرآنی و حدیثی» یکی از بهترین راه‌ها برای اصطیاد و کشف ضوابط است. منظور از تشکیل خانواده آیات و روایات، یافتن آیات و «احادیث مشابه، هم مضمون و ناظر به یک موضوع محوری و نیز فهم نسبت‌های آنها با یکدیگر... است» (مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۵). با این کار، می‌توان به ضوابط اسلامی حاکم بر حیطة مورد بحث دست یافت. برای مثال، بدون توجه به تشکیل خانواده حدیثی، با مشاهده احادیثی که می‌فرمایند: *مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَالرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ*؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۷)

مدارای با مردم، نیمی از ایمان و مهربانی با آنان نیمی

از زندگی است.

ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ؛ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۹)
میوه عقل مدارای با مردم است.

رَأْسُ الْحِكْمَةِ مُدَارَاةُ النَّاسِ؛ (همو، ص ۲۶۴)

رأس حکمت مدارای با مردم است.

عُنْوَانُ الْعَقْلِ مُدَارَاةُ النَّاسِ؛ (همو، ص ۳۳۹)

نشانه و علامت عقل مدارای با مردم است.

شاید یک پژوهشگر گمان کند که مدارای با مردم در هر شرایطی و در هر حالتی از نگاه اسلام نه تنها خوب بلکه نشانه ایمان، عقلانیت و حکمت است؛ درحالی‌که وقتی احادیث مشابه را جستجو می‌کنیم و با چنین حدیثی برخورد می‌کنیم که می‌فرماید:

رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَاةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكٍ حَقٌّ؛ (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲)

رأس عقل، پس از ایمان به خدا، مدارای با مردم در غیر از حق‌گریزی است.

متوجه می‌شویم که اسلام هرگز توصیه به مدارای در امور باطل، گناه و خلاف دین نکرده است و مدارای با مردم در پرتو ایمان و در چهارچوب موازین و مقررات شریعت را نشانه عقلانیت و حکمت دانسته است.

به‌هرحال، برای به دست آوردن خانواده آیات و روایات می‌توان از معجم‌های موضوعی قرآن و تصنیف‌های موضوعی روایات مثل بحار الانوار، وسائل الشیعه، جامع احادیث الشیعه، الحیاه و امثال آن استفاده کرد و مهم‌تر از همه از امکانات رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علوم اسلامی بهره برد. گفتنی است در کتاب‌هایی که با موضوع قواعد فقهیه نوشته شده است بسیاری از ضوابط مربوط به قلمروهای خاص حیات بشری نیز بیان شده است؛ ولی

نخست، نگاه اصلی چنان کتاب‌هایی مسائل فقهی بوده است و نه کشف ضوابط مفید برای فهم همه آموزه‌ها و

(طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۳۰)

کسی که به مسیر رفت و آمد مسلمانان ضرری برساند ضامن خواهد بود.

یا زمانی که این قاعده در حوزه روابط اجتماعی جامعه اسلامی مطرح می‌شود این گونه نتیجه می‌دهد که حتی اگر مسجدی برای جامعه اسلامی ضرر داشته باشد، باید تخریب شود:

وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَحِلُّنَّ أَنْ أَرْدُنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (توبه، ۱۰۷)

(گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقویت) کفر، و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم!» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند!

و یا زمانی که در حوزه مسائل خانوادگی پیاده‌سازی می‌شود، چنین نمود می‌یابد که:

لَا تَضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدًا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ؛ (بقره، ۲۳۳)
نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر.

به هر حال، یکی از لوازم اکتشاف و استنباط نظریه اسلامی در هر یک از حوزه‌های زیست انسانی تسلط بر قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی است. قواعد هنجاری به آن دسته از آموزه‌ها و هنجارهای کلان گفته می‌شود که:

نخست، مطلق و عام‌اند؛ یعنی زمان شمول، مکان شمول و فرد شمول‌اند؛ ناظر به شخص یا اشخاصی خاص یا افعال و وقایعی معین یا مکان یا زمانی ویژه نیستند؛ به سخن دیگر، تغییرناپذیر، ثابت و مطلق‌اند. البته مصادیق آنها ممکن است متغیر و متفاوت باشد. برای نمونه، ممکن

معارف اسلامی در حوزه‌های زیست انسانی؛ دوم، در هیچ-کدام از آنها تفکیکی میان ضوابط و قواعد صورت نگرفته است؛ یعنی هنجارهای مربوط به حوزه‌های خاص زیست انسانی از هنجارهایی که ناظر به همه ابعاد زیست انسانی هستند تفکیک نشده‌اند. برای نمونه، هنجاری مانند «علی الید ما اخذت حتی تؤدی» در کنار هنجاری مانند «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» آمده است؛ در حالی که اولی مربوط به قلمرو ضمانت‌های مالی است ولی دومی ناظر به همه حوزه‌های زیست انسانی!

۶-۸. گام هشتم: عرضه بر قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی

منظور از قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی آن دسته از هنجارها و ارزش‌های اسلامی هستند که همه حوزه‌ها و قلمروهای زیست انسانی را پوشش می‌دهند و در همه جزئیات و مصادیق زیست انسانی جریان دارند؛ مانند قاعده عدالت، قاعده «اعانه بر بر»؛ قاعده «پرهیز از اعانه بر اثم» و امثال آن.

ویژگی قواعد این است که در هر قلمرو و حیطة‌ای ممکن است به شکلی خاص نمودار شوند. برای نمونه، قاعده‌ای مانند «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۸-۱۱۰ و ایروانی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۵-۱۶۹) اختصاص به قلمرو مسائل عبادی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و مانند آن ندارد، بلکه در همه حوزه‌های زیست انسانی جریان دارد ولی همین قاعده را وقتی در حوزه کنش‌های عبادی جاری کنیم، گفته می‌شود که فی‌المثل اگر وضو برای فردی ضرر جسمی داشته باشد، حرام است و اگر نماز ایستاده برای شخصی ضرر داشته باشد، باید نشسته بخواند یا اگر روزه گرفتن برای کسی ضرر جسمی داشته باشد، حرام است و زمانی که در حوزه روابط شهروندی مطرح می‌شود این گونه خود را نشان می‌دهد که به تعبیر امام صادق (ع)

مَنْ أَضَرَ بِشَيْءٍ مِنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ؛

است؛ یعنی منظور آن است که بدانیم با عمل به دستورات اسلامی بناست به کجا برسیم، چه سرنوشتی نصیب ما خواهد شد، هدف یا اهداف اصلی و غایی شارع مقدس از تشریح چه بوده است؛ یعنی می‌خواسته است که جامعه مؤمنان با عمل به دستورات و احکام الهی به چه کمال و جایگاهی برسند؟

مقاصد زیست اسلامی، به معنای مورد نظر، هر چند از نوع ارزش‌ها به شمار می‌روند، ولی ارزش‌های رفتاری نیستند؛ بلکه از ارزش‌های وجودی بوده و معیار تشخیص و تعیین ارزش‌های رفتاری‌اند. ارزش مقاصد و غایات نه ارزش فعلی (زیرا مقصد و غایت از جنس فعل نیست، بلکه نتیجه فعل است) و نه ارزش اخلاقی است (زیرا اختیاری بودن و وابسته به خواست و اراده انسان بودن، شرط لازم اخلاقی بودن یک ارزش است)؛ درحالی‌که ارزش مقاصد و غایات نه به دلیل اختیاری بودن آنهاست و نه وابسته به خواست و اراده انسان، بلکه ارزش آنها ارزشی وجودی و هستی‌شناختی است. بحث از آنها نیز بحثی اخلاقی، فقهی یا حقوقی نیست، بلکه بحثی کلامی و فلسفی و ناظر به جهان‌بینی است.

ارزش غایی، به یک معنا، نتیجه و غایت فعل بوده و حقیقتی هستی‌شناسانه دارد و، به یک معنا، علت غایی انجام کنش‌های اختیاری است؛ یعنی کارهای اختیاری را به امید تأمین چنان ارزشی انجام می‌دهیم. معنابخش ارزش‌های ابزاری ارزش غایی است؛ یعنی ارزش بودن ارزش‌های ابزاری به دلیل ارتباطی است که با آن ارزش غایی دارند. غایت یا هدف در هر مکتبی وابسته به مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و دین‌شناختی آن مکتب است. به هر حال، محصول گام‌های پیشین را باید بر مقاصد و غایات زیست انسانی از نگاه اسلام عرضه کرد، اگر با آنها سازگار نباشد، نمی‌تواند به عنوان حکم، ارزش یا نظریه اسلامی پذیرفته شود.

به دلیل اهمیت فراوان تعیین ارزش غایی و هدف نهایی

است در زمانی خضاب موهای سر و صورت از مصادیق مبارزه با ظلم و شرک باشد و در زمانی دیگر چنین وصفی نداشته باشد؛

دوم، می‌توان آنها را به‌عنوان کبرای استدلال‌هایی که برای کشف ارزش‌ها و آموزه‌های جزئی اقامه می‌شود قرار داد. برای نمونه، الف. تجسس از احوال خصوصی دیگران ظلم است؛ ب. ظلم از نگاه اسلام ردیلت است؛ پس، تجسس از احوال خصوصی دیگران از نگاه اسلام ردیلت است؛

سوم، احکامی هنجاری‌اند؛ یعنی تعیین ارزش می‌کنند، ولی همان‌طور که گفته شد، هنجارهایی کلی و عام‌اند که معیار تعیین ارزش‌های جزئی و مصداقی‌اند. هر فضیلتی در هر حوزه‌ای از حوزه‌های زیست انسانی زمانی اسلامی خواهد بود که زیر مجموعه یکی از این قواعد باشد. به دیگر سخن، قواعد حاکم به‌منزله خطوط قرمز ارزش‌های اسلامی‌اند؛

چهارم، این قواعد برخلاف غایات و مقاصد، متضمن ارزش‌های رفتاری‌اند، ولی برخلاف ضوابط و احکام، بیانگر کلی‌ترین و عام‌ترین ارزش‌های حاکم بر زیست انسانی‌اند؛

پنجم، یکی از ممیزات مکاتب ارزشی‌اند. با توجه به آنها می‌توان تفاوت‌ها و تمایزات مکاتب مختلف ارزشی را با یکدیگر بهتر درک کرد. برای نمونه، وقتی دیده می‌شود که در لیبرالیسم «اصل آزادی» قاعده حاکم است و در اندیشه اسلامی یکی از قواعد حاکم «اصل عدالت و ظلم‌ستیزی» است، به‌خوبی می‌توان تمایز این دو مکتب را درک کرد. توجه به این اصول و قواعد موجب فهم بهتر تفاوت‌ها و تمایزهای این دو مکتب خواهد شد.

۹-۶. گام نهم: عرضه بر مقاصد و غایات زیست اسلامی
منظور ما در اینجا از مقاصد زیست اسلامی «علل و مصالح و انگیزه‌های تشریح حکم اسلامی نیست، بلکه منظور هدف نهایی و مقصود اصلی از ارزش‌ها و احکام اسلامی

به‌سوی زیربنا یا حرکت از مسئله و داده‌های دینی به‌سوی کشف و استخراج نظریه است؛ درحالی‌که نظریه‌سازی تولیدی حرکت از زیربنا به سوی روبنا است؛ یعنی حرکت از بنیان‌های فکری به‌سوی ارائه و تولید احکام و آموزه‌های جزئی است؛

دو. هر نوع روشی برای اجتهاد و استنباط نظریه اسلامی، مبتنی بر دایره گسترده‌ای از مبانی معرفت‌شناختی و دین‌شناختی است که بدون پذیرش آنها سخن گفتن از روش اکتشاف نظریه اسلامی معقول نیست. «حجیت عقل»، «تقدم معرفت عقلی بر معرفت تجربی»، «اعتبار دلیل عقلی و وحیانی در قلمرو مسائل علوم انسانی» و «ضابطه‌مند بودن مسئله فهم» از مفروضات معرفت‌شناختی مهم اکتشاف نظریه اسلامی از متون و منابع دینی‌اند و «اعتقاد به ضرورت وحی و نبوت برای هدایت انسان»، «پذیرش وحیانی بودن آیات قرآن»، «عصمت پیامبر و ائمه اطهار» و «توجه به نقش زمان و مکان در فهم متون دینی» نیز از بنیان‌های مهم نظری این مسئله هستند؛

سه. روش اکتشاف نظریه اسلامی از متون دینی یک «فرایند» است که مرحله به مرحله و گام به گام باید طی شود. در صورت نادیده گرفتن هر کدام از گام‌های آن، امکان دستیابی اطمینان‌آور به نظریه اسلامی نیست؛

چهار. سازگاری نتایج به‌دست‌آمده از منابع و متون دینی با ضوابط اسلامی حاکم بر قلمروهای مختلف زیست انسانی و همچنین هماهنگی آنها با قواعد اسلامی حاکم بر زیست انسانی و سرانجام سازگاری نتایج به‌دست‌آمده با مقاصد و غایات زیست انسانی، از نگاه اسلام، شرط لازم برای دستیابی به نظریه اسلامی است.

در اکتشاف نظریه اسلامی اندیشمندان از دیرباز دغدغه تعیین مقصد یا مقاصد نهایی احکام و ارزش‌های اسلامی را داشته‌اند و در این زمینه نکات ارزشمندی را گفته‌اند، ولی آیا همه احکام و ارزش‌های اسلامی یک مقصد و هدف نهایی دارند یا مقاصد و اغراض متعددی برای آنها وجود دارد؟ بیشتر اندیشمندان اسلامی در این باره نوعی تکثر غایت‌شناختی و هدف‌شناختی را پذیرفته‌اند. آنها به صورت استقرایی (سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۳۵۰) و غالباً متأثر از ابوالمعالی جوینی، مشهور به امام الحرمین (۴۱۹-۴۷۸ق)، محمد غزالی (۴۵۰-۵۰۵ق) و ابواسحاق شاطبی (۷۹۰ق) مقاصد و غایات دین را در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرده‌اند: ضروریات، حاجیات و تحسینیات (شاطبی، بی تا، ج ۲، ص ۸-۱۵).

سبحانی می‌گوید: مقصد نهایی و هدف اصلی شریعت اسلامی، اعم از باورها و ارزش‌ها، عبارت است از: «تربیت انسان در سایه عقیده صحیح و عمل صالح به گونه‌ای که مظهر اسماء و صفات حق تعالی شود.» (سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۳۵۳).

به باور نگارنده، خدایی شدن انسان و قرب وجودی به حضرت حق هدف غایی دین است. البته، دین اهداف میانی و عملیاتی فراوانی نیز دارد که می‌توانند و می‌بایست متکثر و متعدد باشند. برای نمونه، با استناد به قرآن مسائلی مانند توحیدباوری (ابراهیم، ۵۲)، ایمان به خدا (حدید، ۸)، تقوای الهی (اعراف، ۶۳)، تعقل و خردورزی (بقره، ۲۴۲)، هدایت مردم (اعراف، ۱۵۸)، برقراری عدالت همه‌جانبه (حدید، ۲۵)، اجرای احکام الهی و اداره جامعه بر اساس موازین دینی (نساء، ۱۰۵) را می‌توان از اهداف میانی دین دانست.

۷. نتیجه‌گیری

یک. نظریه‌پردازی اسلامی دست‌کم در دو سطح متفاوت نیازمند روش‌شناسی است: نظریه‌پردازی اکتشافی و نظریه‌سازی تولیدی. نظریه‌پردازی اکتشافی حرکت از روبنا

فهرست منابع

شعرانی، ابوالحسن (۱۳۹۸ق)، *نشر طوبی یا دائرة المعارف لغات قرآن مجید*، تهران: اسلامیه.

صدر، محمدباقر (۱۴۱۰ق)، *اقتصادنا*، در مجموعه الكاملة لمؤلفات السيد محمدباقر الصدر (ج ۱۰)، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحكام*، تصحیح حسن موسی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

عبدالمنان، حسان (۱۳۸۵)، *معجم الفاظ القرآن الکریم*، قم: دار العلم.

فانی، کامران و بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۶۹)، *فرهنگ موضوعی قرآن مجید*، تهران: فرهنگ معاصر.

فروند، ژولین (۱۳۷۲)، *نظریه‌های مربوط به علوم انسانی*، ترجمه علیمحمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۵۲)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

قطب‌الدین راوندی، سعید (۱۴۰۷ق)، *الدعوات*، قم: مدرسه امام مهدی.

کرلینجر، فرد، ان. (۱۳۷۴)، *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر حقیقی‌زند، تهران: آوای نو.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث.

مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۳)، *روش فهم حدیث*، چاپ نهم، تهران: سمت.

مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۲)، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات.

معادینخواه، عبدالمجید (۱۳۷۸)، *فروغ بی‌پایان (فهرست تفصیلی مفاهیم قرآن کریم)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فاضل مقداد، جمال‌الدین (۱۴۰۵ق)، *ارشاد الطالبین الی نهج*

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن حجر عسقلانی، أحمد (۱۳۷۹ق)، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت: دار المعرفة.

ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.

ایروانی، باقر (۱۴۲۶ق)، *دروس تمهیدیة فی القواعد الفقهیة*، قم: دار الفقه للطباعة و النشر.

تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.

حسینی، سیدحمیدرضا و مهدی علی‌پور (۱۳۸۹)، *پارادایم اجتهادی دانش دینی «پاد»*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

خاتمی، احمد (۱۳۸۴)، *فرهنگنامه موضوعی قرآن کریم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دانایی فرد، حسن (۱۳۸۹)، *نظریه‌پردازی: مبانی و روش‌شناسی‌ها*، تهران: سمت.

روحانی، محمود (۱۳۶۸)، *المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

سایر، آندرو (۱۳۸۸)، *روش در علوم اجتماعی*، رویکردی رئالیستی، ترجمه عماد افروغ، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۳)، *أصول الفقه المقارن فیما لا نص فیہ*، قم: مؤسسه امام صادق.

سروش، عبدالکریم (۱۳۷۰)، *تفرج صنع*، تهران: سروش.

شاطبی، ابراهیم بن موسی (بی تا)، *الموافقات فی اصول الاحکام*، تحقیق محمدالخضر حسین تونسی، و حسین محمد مخلوف، دار احیاء الکتب العربیه.

شریفی، احمدحسین (۱۳۹۴)، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، چاپ دوم، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی.

Honderich, Ted, ed., (2005), *The Oxford Companion to Philosophy*, Oxford, New York, Oxford University Press.

Logan, Frank and David Olmstead, (1955), *Behavior Theory and Social Science*, New Haven, Yale University Press.

Mayor, Michael, Editor, (2009), *Longman Dictionary of Contemporary English*.

Mills, C. W., (1959), *The Sociological Imagination*, Oxford, Oxford University Press.

O'Conner, D. J., (1957), *An Introduction to the Philosophy of Education*, London, Routledge and Kegan Paul..

المسترشدين، تحقيق مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰)، *القواعد الفقهيّة*، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب.

Bunnin, Nicholas and Jiyuan Yu, (2004), "Theoria", in *The Blackwell Dictionary of Western Philosophy*, Blackwell Publishing Ltd.

Cohen, B. P., (1989), *Developing Sociological Knowledge: Theory and Method*, Chicago, Nelson-Hall.

Craig, Edward (1998), *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, London, Routledge.

Edwards, Paul, (1967), *The Encyclopedia of Philosophy*, New York, Macmillan.